

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: یک هوادار

۰۹.۰۵.۱۰

سپاه پاسداران،

دولتی در درون دولت

در جمهوری اسلامی پدیده‌های متعددی را می‌توان یافت که کمتر می‌توان نمونه آن‌ها را در دیگر کشورهای سرمایه‌داری و دولت‌های بورژوازی یافت.

سپاه پاسداران نیز یکی از همین پدیده‌های مختص جمهوری اسلامی ایران است. در ظاهر امر سپاه پاسداران یک ارگان نظامی جمهوری اسلامی، یک گارد ویژه است که به طور خاص و ویژه، وظیفه‌اش سوای دیگر ارگان‌های نظامی، پاسداری از ارتجاع اسلامی و دولت بورژوا - مذهبی است. اما در واقعیت، پدیده‌ای بسیار پیچیده‌تر و فراتر از آن چیزی است که در ظاهر نشان داده می‌شود. سپاه پاسداران، ارتشی است ویژه و مجزا از ارتش رسمی جمهوری اسلامی، با واحدهای زمینی، دریائی و هوائی مختص و ویژه خودش. سپاه پاسداران یک نیروی پلیس است، با دستگاه اختصاصی خود، مجزا از پلیس رسمی جمهوری اسلامی. سپاه پاسداران یک نهاد اطلاعاتی، جاسوسی و امنیتی است، مجزا از وزارتخانه رسمی آن در جمهوری اسلامی. سپاه پاسداران، وزارتخانه تفتیش و سانسور است، مجزا از وزارتخانه‌های نظیر ارشاد، مخابرات و غیره. سپاه پاسداران یک آموزشگاه پرورش کادر است، مجزا از تمام آموزشگاه‌ها و نهادهای آموزشی برای تربیت کادرهای رده‌های بالای حکومتی، وزراء، وکلاء، مدیران و تمام مناصب حساس. سپاه پاسداران عالی‌ترین و با قدرت‌ترین ارگان دولتی است. اصلاً سپاه پاسداران خود یک دولت مجزا در درون دولت رسمی و ظاهری است. اما سپاه نمی‌توانست از چنین قدرتی برخوردار باشد، مگر آن که در عین حال یک قدرت اقتصادی، یک انحصار اقتصادی بزرگ، مجزا از تمام قدرت‌های اقتصادی دولتی و خصوصی باشد.

سپاه پاسداران، یک انحصار سرمایه‌داری بزرگ، با سرمایه و ثروتی است که سر به میلیاردها دلار می‌زند با ارتشی از مدیران و کارمندان رده‌های مختلف و ده‌ها هزار کارگری که برای مؤسسات اقتصادی آن کار می‌کنند.

در این هفته، نماینده خامنه‌ای در سپاه پاسداران به مناسبت هفته عقیدتی - سیاسی به گوشه‌هایی از وظایف گسترده سپاه و نقش آن در جمهوری اسلامی اشاره کرد. وی گفت: "در مورد ماهیت مأموریت سپاه، متغیرها تاثیرگذار است."

"سپاه در بخش نظامی معین ارتش است و وارد عمل می‌شود. در بخش نیمه سخت، معین نیروی انتظامی است و اگر کار به آشوب داخلی بکشد، مانند حوادث اخیر، وارد عمل می‌شود. در بخش اطلاعاتی، معین وزارت اطلاعات است، جمع‌آوری اطلاعات و انجام اقداماتی در این مورد. سپاه در امور فرهنگی و تبلیغاتی معین دستگاه‌های فرهنگی کشور است برای جلوگیری از تهاجم فرهنگی. سپاه سازمانده ارتش سایبری است. سپاه وارد تمام عرصه‌هایی می‌شود که بر زمین مانده و به نوعی خط شکن محسوب می‌گردد. یکی دیگر از وظایف ذاتی سپاه عرصه اقتصادی است. اصولاً ورود سپاه در عرصه‌های اقتصادی جزو مأموریت‌های ذاتی سپاه است و امروز سپاه وارد پروژه‌های بزرگی می‌شود که انجام آن‌ها از عهده بخش خصوصی بر نمی‌آید."

پس نماینده خامنه‌ای هم به زبان خودش، توضیح می‌دهد که سپاه همه کاره است، وارد همه عرصه‌ها می‌شود و به عبارتی دیگر یک دولت در درون دولت رسمی است. در مورد نقش اقتصادی سپاه، البته فقط به این نکته اشاره دارد که آنقدر قدرت دارد که پروژه‌هایی را بر عهده می‌گیرد که بخش خصوصی قدرت اقتصادی و مالی وارد شدن به آن را ندارد. واقعیت هم همین است. سپاه پاسداران اکنون یک انحصار اقتصادی است که مالک متجاوز از صد کارخانه و مؤسسه تولیدی از شرکت‌های ساختمانی گرفته تا نفت، پتروشیمی، الکترونیک، معادن، کشاورزی، غذایی و غیره را دربرمی‌گیرد. سپاه مالک مؤسسات خدماتی و مالی متعددی است. سپاه سهامدار مهم‌ترین صنایع کشور است. سپاه بنادر و فرودگاه‌های خصوصی متعلق به خود را دارد. سپاه نقش اصلی را در پروژه‌های میلیاردی نفت، گاز، خطوط لوله گاز، خطوط مترو و راه‌آهن، داراست. سپاه یک انحصار بزرگ صادرات و واردات است. سپاه بزرگترین و کله‌گنده‌ترین قاچاقچی است که می‌تواند هر جنس ممنوعه‌ای را به سادگی وارد کشور کند یا خارج سازد. سپاه عظیم‌ترین منابع مالی و ارزی را در اختیار دارد و منبع اصلی تأمین مالی پروژه‌های کلان این انحصار، دلارهای نفتی است.

اکنون سؤال این است که آیا این انحصار کلان اقتصادی، یا به گفته نماینده خامنه‌ای یک تشکیلات سیاسی - نظامی، پلیسی - اطلاعاتی، سایبری - فرهنگی که فعالیت‌های اقتصادی جزو وظایف ذاتی‌اش محسوب می‌گردد، از بابت سودهای کلانی که به دست می‌آورد به کسی هم حساب پس می‌دهد؟ خیر! مثل یک انحصار اقتصادی خصوصی است که سرمایه‌داران بزرگ جهان دارند، تفاوت در این است که آن‌ها به هر حال باید حساب دخل و خرج‌شان را برملا کنند و مالیات بپردازند، سپاه پاسداران، اما چون خودش دولتی در درون دولت است، از این قاعده نیز مستثناست. پس این سودهای کلان به کجا می‌رود و نصیب چه کسانی می‌شود؟ در وهله نخست به جیب فرماندهان سپاه پاسداران و فراهم ساختن امکانات رفاهی برای پرسنل تشکیلات نظامی - بوروکراتیک سپاه. اما به دور از حقیقت است، اگر گفته شود تمام درآمدهای مالی این انحصار مستقیماً به جیب خود پاسداران به ویژه سران و فرماندهان آن سرازیر می‌گردد. یک تشکیلات سیاسی - نظامی که نقش دولتی را در درون دولت رسمی بازی می‌کند، مخارج کلانی هم دارد. مقدمتاً باید حق و حساب مقامات رسمی مافوق را بپردازد. در رأس آن‌ها خامنه‌ای قرار گرفته است. او چون امام است، مقدس است و معصوم، آنچه که می‌گیرد، باید به دور از شائبه رشوه باشد. راه حل آن را نیز اسلام و حکومت اسلامی نشان داده است. به نام حق امام، لباس شرعی بر تن این حق و حساب پوشیده‌اند و هر سال میلیاردها به حساب "آقا" پرداخت می‌شود. سپاه باید در جنگ و جدال با باندهای درونی دولت رسمی جمهوری

اسلامی و ارگان‌های رسمی آن، افراد خودش را داشته باشد. باید در مجلس ارتجاع نمایندگان منتخب و گوش به فرمان سپاه حضور داشته باشند. این خود مخارج کلانی دارد که باید هزینه شود تا آن‌ها "منتخب" مردم شوند. البته این کار مختص سپاه نیست، بلکه روال کار تمام باندها و جناح‌های جمهوری اسلامی می‌باشد. قضیه پوشیده‌ای هم نیست. حتماً در جریان کشمکشی قرار دارید که از مدت‌ها پیش باندهای درون جناح موسوم به اصول‌گرا در تلاش بوده‌اند، دانشگاه آزاد را از چنگ باند رفسنجانی بیرون آورند. این قضیه از چه جهت برای آن‌ها مهم بوده است؟ در این هفته، نادران یک عضو وابسته به باندهای درون جناح اصول‌گرا، به یک جنبه قضیه که همانا تأمین منابع مالی برای انتخاب به اصطلاح نمایندگان مجلس است، پرداخت و در یک سخنرانی در دانشگاه شاهد گفت: "اگر روزی معلوم شود که دانشگاه آزاد به منتخبین مردم قبل از ورود به مجلس شورای اسلامی چقدر پول داده و این دانشگاه در آرایش سیاسی کشور چقدر نقش دارد و چه نمایندگانی با چنین پشتوانه‌هایی به مجلس راه پیدا می‌کنند، مگر می‌توان به این افراد کمتر از گل گفت. البته همین پول در دستگاه قضاء هم هزینه می‌شود و این باعث انتشار فساد سیاسی در کشور می‌شود یعنی فساد از سطح فردی فراتر رفته و به صورت سازمان یافته گسترش پیدا می‌کند و در انتها با اتصال به مرکز قدرت به فساد سیاسی تبدیل می‌شود."

آنچه که این نماینده مجلس ارتجاع به آن اشاره می‌کند، ده‌ها و صدها برابر برای سپاه پاسدارانی که نقش دولت را در دولت بر عهده گرفته است، حائز اهمیت است. این ماجرا به مجلس محدود نمی‌شود، دستگاه قضائی و اجرائی ماشین دولتی را نیز در برمی‌گیرد. هزینه به قدرت رساندن احمدی‌نژاد به عنوان رئیس جمهوری، در رأس دستگاه اجرائی برای سپاه هزینه مالی کمی نداشت. سپاه برای این که بتواند نقش دولتی در درون دولت را ایفاء کند، باید اصلی‌ترین ارگان‌ها و نهادهای دولت رسمی را تابع خود سازد و پشتوانه آن نیز می‌باید قدرت اقتصادی و مالی سپاه پاسداران باشد. همین واقعیت نیز به خوبی سرمنشاء تضادها و اختلافات جدی جناح‌ها و گروه‌های هیأت حاکمه را برملا می‌سازد و نشان می‌دهد که اصل نزاع جناح موسوم به اصلاح‌طلب با جناح رقیب و نیز اتحاد آن‌ها در این مقطع با گروه‌های طرفدار رفسنجانی در مقابل جناح دیگر، سپاه و احمدی‌نژاد، بر سر مسایل اقتصادی و نتایج آن در عرصه سیاسی‌ست. سپاه اما اکنون با اتکاء به قدرت اقتصادی خود، به رقیبی سرسخت برای بورژوازی بخش خصوصی تبدیل شده است و دولتی در درون دولت رسمی جمهوری اسلامی‌ست و شکست آن برای جناح رقیب به امری ناممکن تبدیل شده است.